عوامل مؤثر بر واگرایی فرهنگی در ارزشهای اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان در تهران

مهناز رحمتی کزاز[۱]
دکتر طهمورث شیری[۲]
دکتر حبیب صبوری خسروشاهی[۳]

چکیده

واگرایی فرهنگی، نوعی ناهمسویی و ناهمنوایی در ارزشها، نگرشها و رفتارها میان نسلهای مختلف یک جامعه است. شناخت عوامل مؤثر بر واگرایی فرهنگی در ارزشهای اجتماعی والدین و فرزندان از موضوعات مهم جامعه ایران است که در پژوهش حاضر با رویکرد کمّی مورد بررسی قرار گرفته است. جامعهٔ آماری این پژوهش، همهٔ خانوادههای شهر تهران در ردهٔ سنی ۱۵ تا ۶۰ سال بودند که با روش نمونهگیری خوشهای چندمرحلهای ۳۸۴ نفر (۲۰۲ والد و ۱۸۲ فرزند) به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار گردآوری دادهها، پرسشنامه واگرایی ارزشهای اجتماعی، میزان استفاده از رسانههای جمعی، دینداری، پایگاه اجتماعی- اقتصادی و سبک تربیتی والدین بود. برای تجزیه و تحلیل دادهها از نرمافزار SPSS و نرم افزار AMOS استفاده شده است. یافتههای پژوهش نشان داد که میزان استفاده از رسانههای ارتباطی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی و سبک تربیتی سختگیرانه و آزادمنشانهٔ والدین به طور مثبت و دینداری و سبک تربیتی مقتدرانه به طور منفی با واگرایی فرهنگی در ارزشهای اجتماعی والدین و فرزندان مرتبط اند. یافتههای حاصل از تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داد که در حدود ۴۴/۵ درصد از تغییرات میزان واگرایی ارزشهای اجتماعی والدین و فرزندان با متغیرهای پیشبین قابل تبیین هستند. همچنین پارامترهای مدل تحلیل عاملی واگرایی ارزشهای اجتماعی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادارند. از اینرو، میتوان نتیجه گرفت که گسترش روزافزون رسانههای جمعی، افزایش سطح اقتصادی- اجتماعی والدین و سبکهای تربیتی سختگیرانه و سهلگیرانه منجر به واگرایی فرهنگی بیشتر در نسلهای مختلف جامعه میشوند و به عکس، تقویت دینداری و سبک تربیتی مقتدرانه و معتدل والدین میتواند با احتمال کاهش واگرایی فرهنگی همراه باشد.

کلید واژگان: واگرایی فرهنگی، رسانههای ارتباطی، دینداری، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، سبکهای تربیتی

تاریخ دریافت: ۹۸/۵/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه جامعهشناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران. mahnazrahmati400@gmail.com
۲. دانشیار گروه جامعهشناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران. (نویسنده مسئول) Shiri.tahmures@gmail.com
۳. استادیار گروه جامعه شناسی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. habibsabouri@hotmail.com

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.2.8]

مقدمه و بیان مسأله

هویت هر جامعه‌ای برخاسته از فرهنگ آن جامعه است. فرهنگ خود متشکل از ارزشها، باورها، هنجارها و نگرشهای حاکم بر رفتار افراد است. از میان این عناصر، می‌توان گفت ارزشها بیشترین نقش را در رفتار فرد دارند. بنابراین، ارزش را می‌توان معیاری دانست که شخص اقامه می‌کند و با آگاهی اجتماعی و درک وی از امور و عوامل تأثیرگذار اقتصادی، شرایط تاریخی و اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، در ارتباط است (تامین[1]،۱۹۹۴؛ ترجمه نیک‌گهر : ۱۶۳).

در دو دهه اخیر، همراه با تغییر ساختار اجتماعی- فرهنگی جامعه ایران و در نتیجه، افزایش شاخصهایی همچون صنعتی شدن، افزایش میزان شهرنشینی، افزایش میزان تحرک اجتماعی و مهاجرت، جوانی جمعیت، توسعه شبکه حمل‌ونقل عمومی، توسعهٔ وسایل ارتباط‌جمعی و کاربرد فناوریهای نوین ارتباطی و توسعه نهادهای اجتماعی جدید مانند آموزش و پرورش و دانشگاه زمینهٔ مساعدی برای بروز تغییرات در ارزشها و نگرشهای اقشار جامعه ایرانی به وجود آمده است. نسل جوان نیازهایی را جستجو می‌کند که متفاوت از نسل قدیم است. این امر ناشی از دگرگون‌شدن ارزشها به سبب تحولاتی است که همهٔ ابعاد زندگی را به‌طور بی‌سابقه‌ای تحت‌تأثیر خود قرار داده‌اند و محیطی متفاوت را برای پرورش نسل جدید فراهم کرده‌اند. در نتیجه نسل جدید، نسلی متفاوت از گذشتگان خویش است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۰).

در واقع، جهت‌گیریهای ارزشی والدین و فرزندان متفاوت از یکدیگرند و والدین از بی‌توجهی فرزندان به معیارها، ملاکها و ارزشهایی مانند ارزشهای دینی، گرایش به سنت و ارزشهای خیرخواهانه گلایه‌مندند و در بسیاری موارد، از آن به‌عنوان یکی از مشکلات مهم زندگی خود یاد می‌کنند. فرزندان نیز درک درستی از ارزشها و معیارهای والدین ندارند و باورها و رفتارهایشان معمولاً موجب نگرانی والدین و گاهی نیز منجر به تنشهایی در خانواده می‌شود (گودرزی، ۱۳۸۹). در ابعاد ذهنی، ناهمگرایی به معنای تعارض و عدم تجانس در ارزشها و نگرشهاست، حال‌آنکه ناهمسویی در هنجارها و رفتارهای قابل مشاهده، جنبهٔ عینی واگرایی فرهنگی را نمایان می‌سازد. همچنین، واگرایی ممکن است در سطح کلان، میان دولت و مردم مطرح باشد یا در سطوح میانی یا خرد، در روابط گروههای اجتماعی، اعضای خانواده و غیره مشاهده شود (ملک‌پور، ۱۳۸۱). ایران نیز به‌مثابهٔ یکی از کشورهای درحال‌توسعه، ناظر اتفاقاتی مهم طی سه دهه آخر قرن بیستم بوده است. برخی از این تغییرات در حیطهٔ شناخت و تغییرات ارزشی دو نسل بزرگسال و جوان بوده

1. Tumin

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.2.8]

است. پژوهش حاضر نیز در پی بررسی همین مسئله است. از این‌رو، سؤال پژوهش حاضر این است که عوامل مؤثر بر واگرایی فرهنگی در ارزشهای اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان در شهر تهران کدام‌اند؟ در واقع، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطهٔ میان میزان کاربرد رسانه‌های ارتباطی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، دینداری و سبکهای تربیتی والدین با واگرایی فرهنگی ارزشهای اجتماعی والدین و فرزندان است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

جهانبخش (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی شکاف نسلی در ارزشهای اجتماعی و فرهنگی والدین و فرزندان در استان اصفهان با بهره‌گیری از نظریه‌های اینگلهارت و لرنر پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان داده که شکاف نسلی در زمینه‌های ارزشهای معنوی والدین (مذهبی-سنتی) و فرزندان (اقتصادی-اجتماعی) به وجود آمده است.

سهراب‌زاده و سادات جوادی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی شکاف نسلی و رسانه‌های جمعی با تاکید بر نظریات کارل مانهایم و مید پرداخته اند. با توجه به روش اسنادی این پژوهش و دیدگاه مانهایم، پژوهشگران پدیدهٔ شکاف نسلی را تفسیرهای سنتی و میراثهای فرهنگی باقی‌مانده از نسل پیشین می‌دانند که نسل جدید آن را به چالش می‌کشد. رسانه‌های جمعی نشان می‌دهند که بهره‌گیری از آنها تحولاتی را به وجود می‌آورد که با ارزشهای والدین سازگار نیست.

کفاشی (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان داد که میان شاخصهای اجتماعی و فرهنگی (سبک زندگی، موقعیت محل سکونت و معاشرت با گروه همسالان، پایگاه اجتماعی والدین، دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و نظام آموزشی) با متغیر شکاف نسلی رابطه معنادار وجود دارد.

نیمروزی ناوخی و پارسایی (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند که میان ارزشهای اقتصادی، فرهنگی و مذهبی با ترجیحات ارزشی والدین و فرزندان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و تنها میان ارزشهای زیباشناختی با ترجیحات ارزشی والدین و فرزندان رابطهٔ معنادار وجود ندارد.

ربانی و محمدزاده یزد (۱۳۹۲) بر اساس پژوهشی بیان کردند که میان دو نسل مادران و دختران شکاف نسلی ارزشی وجود دارد و تأکید بر ارزشهای دینی در به وجود آمدن فردگرایی تاثیرگذار است.

میثاقی و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به نقش عملکرد خانواده و شکاف نسلی دربارهٔ شیوه خودکنترلی و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که عملکرد و آموزش

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.2.8]

خانواده و شکاف نسلی، نقشی مؤثر در رابطه میان روش خودکنترلی والدین و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی دارند.

نیکن و اپری[1] (۲۰۱۸) بر اساس پژوهشی بیان کردند که با پایین بودن درآمد والدین و تحصیلات آنها، مهارتهای لازم برای استفادهٔ صحیح از رسانه‌ها کاهش می‌یابد. همچنین، والدین با تحصیلات پایین، انعطاف‌پذیری کمتری برای استفاده از رسانه‌های جدید دارند.

پارکز و رابرتسون[2] (۲۰۰۸) در پژوهشی به شکاف ارزشی در حوزه نگرش به نقشهای جنسیتی پرداخته‌اند. این پژوهش به این نتیجه رسیده است که جوانان پسر ۱۸ تا ۲۲ ساله گرایش دارند که در امور ارزشی بزرگسالانِ همجنس خود مشارکت کنند. همچنین شکافی نگرشی میان دختران جوان و بزرگسالان در مورد نقشهای اجتماعی وجود دارد.

مور[3] (۱۹۹۹) پیمایشی را روی نمونه‌ای ۱۲۷۱ نفری از ژاپنیهای نسل دوم، سوم و چهارم مهاجر به آمریکا انجام داده است. نتیجه به‌دست‌آمده این بوده که بیشترین تغییر ارزشی در نسل دوم رخ داده و دیگر اینکه اولویتهای ارزشی به شیوه‌ای نظام‌مند طی این نسلها تغییر کرده است، اما نه به اندازهٔ مورد انتظار. بنابراین، نظریه شوارتز در نسل سوم و چهارم تأیید و در نسل دوم رد می‌شود.

با بررسی پژوهشهای انجام شده درمی‌یابیم که پژوهشی در مورد عوامل مؤثر بر واگرایی فرهنگی در ارزشهای اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان در شهر تهران صورت نگرفته است. اما در زمینه‌های شکاف ارزشی پژوهشهایی انجام شده است، به طوری که پژوهشهای داخلی و خارجی عوامل مؤثر بر شکاف نسلی در ارزشهای اجتماعی در زمینه‌های ارزشی معنوی والدین (مذهبی–سنتی) و ارزشی فرزندان (اقتصادی–اجتماعی)، شاخصهای اجتماعی– فرهنگی که شامل سبک زندگی، موقعیت محل سکونت، معاشرت با گروه همسالان، پایگاه اجتماعی والدین و نقش تربیتی خانواده در استفاده فرزندان از رسانه‌ها می‌شود را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. در صورتی که در این پژوهش ضمن ارزیابی و بهره‌گیری از نتایج این پژوهشها، بر اساس عوامل مؤثر بر واگرایی فرهنگی در ارزشهای اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان در زمینه‌های کاربرد رسانه‌های ارتباطی، دینداری، پایگاه اقتصادی– اجتماعی و سبک تربیتی به موضوع پرداخته شده است.

1. Nikken & Opree
2. Parks & Robertson
3. Moore

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.2.8]

واگرایی فرهنگی

واگرایی فرهنگی، نوعی ناهمسویی و ناهمنوایی در ارزشها، نگرشها و رفتار تلقی می‌شود و در صورتی رخ می‌دهد که نتیجه نوآوریهای مهم اجتماعی به حوزه‌های مختلف جامعه برسد، نه به کل جامعه (احمدی و حامد، ۱۳۹۰). امروزه در جهانی زندگی می‌کنیم که نقطهٔ تداخل و تقارب پدیده‌ها و مرز میان آنها از بین رفته است. از یک‌سو، ساختار ارتباطات و تعاملات جهانی از خطوط هوایی گرفته تا اینترنت و ایجاد شبکه‌های جهانی و فراملی تسهیل و موجب پیوند مردم، سازمانها و گروهها در همهٔ نقاط جهان به یکدیگر شده است. از سوی دیگر، افزایش این‌گونه تعاملات سبب شده تا حوزهٔ جهانی و محلی در حیطه‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی ادغام شوند و به‌نوعی جریان هویت‌یابی را متأثر سازند (نش[1]، ۲۰۱۲؛ ترجمه دلفروز، ۱۳۹۱).

شکاف نسلی و ارزشی والدین-فرزندان

پدیده شکاف نسلی[2] به چگونگی تداوم فرهنگ یک جامعه از نسلی به نسل دیگر مربوط می‌شود. اگر فرایند اجتماعی کردن به علل داخلی و خارجی دچار مشکل شود و به‌طور ناقص انجام پذیرد و فرهنگ جامعه در حد مطلوبی به نسل بعد منتقل نشود، تداوم فرهنگی جامعه دچار مشکل می‌شود و بین نسل جدید و قدیم فاصله و شکاف می‌افتد (مرسلی و نظری، ۱۳۹۵).

رسانه‌های ارتباطی

رسانه‌های ارتباطی در معنای وسیع کلمه شامل کلیه وسایل ارتباطی می‌شوند که در سطحی گسترده به انتشار اطلاعات، اخبار، عقاید و نظرات می‌پردازند (کازنو[3]، ۱۹۸۵؛ ترجمه ساروخانی و محسنی).

دینداری

تربیت دینی در مفهوم اصیل آن، به این معناست که تدین، در ارتباطی از نوع تربیت فرد شکل می‌گیرد و جزئی از هویت فردی و اجتماعی و سیاسی وی می‌شود. در یک نگاه، تربیت دینی چهار جنبه عمده در هویت افراد دارد (رضایی زارچی و رهنما، ۱۳۸۸):

۱. اعتقادی و فکری: یکی از دگرگونیهای عمده و اساسی که در تدین باید در فرد رخ دهد این است که در وی اعتقادات خاصی نسبت به گزاره‌های توصیفی که از طرف خدا به انسان

1. Nash
2. Generation gap
3. Cazeneuve

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.2.8]

داده شده مانند «خدا یکی است» و «خدا شریک ندارد» و... ایجاد شود و اگر این اعتقاد پذیرفته شود می‌گوییم فرد متدین شده و هویت فرهنگی یافته است.

۲. تجربه درونی: تجربه درونی حکایت از التهاب و هیجانهای درونی انسان دارد. شخصی که هویت دینی در معنای خاص و فرهنگی در معنای عام پیدا می‌کند، باید یک رشته هیجانهای درونی را تجربه کند.

۳. التزام درونی: در التزام عنصر انتخاب بارز است. التزام درونی متضمن انتخاب نسبت به چیزی و پایبندی نسبت به آن است.

۴. عمل: یعنی اینکه فرد متدین کسی است که به اقتضای اعتقادات و ایمان به خدا اقدام به انجام عملی کند.

انواع سبکهای تربیتی والدین

دیانا بامریند[1]، والدین را به سه نوع دسته‌بندی کرده است: الف) سهل‌گیر[2]؛ ب) سخت‌گیر[3] و ج) مقتدر[4]. وی بر این اساس معتقد است که هر کدام از این سه نوع شیوه تربیتی آثار گوناگون در شکل‌گیری شخصیت، رشد و تربیت اجتماعی، عاطفی، هیجانی، عقلانی و ... در فرزندان به‌جا می‌گذارد.

سبک تربیتی سهل‌گیرانه: در خانواده‌های پیرو این سبک به فرزندان اجازه می‌دهند که به خواسته‌های خود آن‌گونه که می‌خواهند، دست یابند و آرزوهای خود را برآورده کنند. در اینجا تقریباً آزادی مطلق حکم‌فرماست و شعار طرفداران دیدگاه فوق این است که «کسی با کسی کاری نداشته باشد؛ بگذار هرچه می‌خواهند، انجام دهند». در یک جمله، والدینی که طرفدار چنین شیوهٔ تربیتی هستند، معتقدند که تمایلات فرزندان، حاکم بر رفتار آنهاست.

سبک تربیتی سخت‌گیرانه: در خانواده‌های پیرو این سبک، بر قدرت والدین تأکید می‌شود. این خانواده‌ها تابع اصول دیکتاتوری‌اند، به این معنا که یک نفر، حاکم بر رفتار دیگران است.

سبک تربیتی مقتدرانه: از ویژگیهای این شیوه تربیتی این است که هر یک از اعضای خانواده به‌تناسب امکان و توان خود، در تعیین و انتخاب اهداف و تلاش برای دستیابی به آنها شرکت دارند. از این‌رو، با اشتیاق و قدرت بیشتری در تحقق یافتن آنها می‌کوشند(برگرفته از شریعتمداری، ۱۳۷۴).

1. Diana Bumrind
2. Permissive
3. Authoritarian
4. Authoritative

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.2.8]

چارچوب نظری پژوهش

آلوین تافلر[1] در کتابی با عنوان «شوک آینده»، از تغییرات اجتماعی یاد می‌کند که نهاد خانواده را دربر خواهند گرفت و از طریق رسانه‌ها، ارزشهای فردگرایانه[2] را ترویج خواهند کرد. در واقع، نظریه تافلر بر فضای مجازی و ارتباط از طریق رسانه‌ها و در پی آن نوع ارزشهای فردگرایانه تأکید دارد. به عقیده مارشال مک‌لوهان[3] نیز اگرچه فناوری، از ذهن و عمل انسان منشعب است، انسان هر عصر و دوره‌ای، خود زاییدهٔ فناوری زمان خویش است(ارجمندی و همکاران، ۱۳۹۲). مک-لوهان به تغییرپذیری بیشتر جوان‌ترها اشاره می‌کند و معتقد است که این الگوپذیریها در نهایت مغایر با ارزشها و هنجارها و به‌طورکلی فرهنگ غالب خواهد بود و در نهایت به بحران هویت و شکاف نسلها خواهد انجامید. بنابراین، این نظریه نیز، بر جامعه‌پذیری (انتقال فرهنگی[4]) از طریق رسانه‌هایی مانند ماهواره و اینترنت تأکید می‌کند که منجر به نظام ارزشی متفاوتی نسبت به نسلهای پیشین خواهد شد (محرابی، ۱۳۸۶).

همان‌طور که مشاهده می‌شود در آرای تافلر و مک‌لوهان، آینده‌نگری و تغییرات جهانی تربیتی تحت‌تأثیر ابزارهای مدرنی مانند رسانه‌ها با نگاه فرازمانی مورد تأکید قرار گرفته است، اما در این نظرات، انسان نه در حکم موجود متفکر، بلکه با نگاهی مکانیکی و ابزارگونه ارزیابی شده است که عوامل پرورش‌دهندهٔ نظام هنجاری او یعنی، امر تربیتی‌وپرورشی و همین‌طور ارزشی و نگرشی وی به اجبار از رسانه‌ها متأثر خواهد شد.

رونالد اینگلهارت[5] نیز همانند دو اندیشمند فوق قائل به شکاف نسلی است و در این‌باره معتقد است که تغییر ارزشی، روندی است که از نسلی به نسل دیگر رخ می‌دهد، نه به‌طور مداوم از سالی به سال دیگر. وی معتقد است که اشاعهٔ رسانه‌های جمعی منجر به تغییر ارزشها شده است، به‌طوری‌که در عصر کنونی، جهانی‌شدن ارتباطات و رسانه‌ها بر شکاف ارزشهای نسلی تأثیر گذاشته است (یوسفی، ۱۳۸۳). اینگلهارت کامیابی اجتماعی-اقتصادی افزایش‌یافته را علت اصلی تغییر ارزش در جوامع غربی می‌داند. از نظر اینگلهارت سطوح نسبتاً پایین انتشار رضایت و اعتماد موجب می‌شود که شخص به احتمال زیاد، نظام سیاسی موجود را نپذیرد (ارجمندی و همکاران، ۱۳۹۲).

1. Alvin Toffler
2. Individualistic values
3. Marshall McLuhan
4. Cultural transition
5. Ronald Inglehart

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.2.8]

همچنین، اینگلهارت دربارهٔ دینداری بیان می‌کند که فرایند توسعه به مثابه یک فرایند شایعِ گسترده در سطح جهان غالباً در جهتی است که امنیت حیاتی یا وجودی[1] انسان را حداقل تا یک دوره بالا می‌برد، یعنی منجر به افزایش درآمدها، افزایش آگاهی، سواد، آموزش عمومی، تأسیسات مدنی، تأسیسات شهری و ... می‌شود. وقتی که این امنیت حیاتی بالا می‌رود به نظر بخش بزرگی از سازوکارهایی که در گذشته وجود داشت و چشم انسان را به آسمان می‌دوخت و او را به توکل و برخی باورهایی که او را به نیروهای ماوراء طبیعت و فراتر از مقدورات انسانی و آگاهیهای انسانی معطوف می‌کرد که بخش وسیعی از آن به‌دلیل نیاز انسانها به امنیت و کسب امنیت است، کم می‌شود. معمولاً در چنین جوامعی نرخ باروری بالاست، بنابراین چگالی جمعیتی جوامع مذهبی و افرادی که در اجتماعات گوناگون طبق میراث بسیار دور و دراز تاریخی، عقاید مذهبی، فرهنگ مذهبی، میراثهای دینی و باورهای دینی دارند، بیشتر می‌شود و چون امکاناتی هم دارند سبب می‌شود که بیشتر رشد پیدا کنند و براساس همان فرایند توسعه به شکل پارادوکسیکال، مردمان دیندار زیاد شده‌اند. ولی از سویی هم، چون دولتهای متصدی مدرنیزاسیون و نهادهای متصدی توسعه بدکارکرد یا ناکارکرد می‌شوند مثلاً رشد نابرابر و ناموزون است و بی‌عدالتیها وجود دارد به اضافه انواع و اقسام تعارضهای اجتماعی که سر بر می‌آورند، فرایند مورد انتظار توسعه مخدوش و مختل می‌شود و امنیت حیاتی ملتها پایین می‌آید. درنتیجه سبب می‌شود که یک نوع بازخیز دین، بازخیز آن باورها، اعتقادات، فرهنگ، ارزشها و نگرشهای دینی فعال شود (ارجمندی و همکاران، ۱۳۹۲؛ کفاشی، ۱۳۹۴؛ نگوین و ترونگ[2]، ۲۰۱۸؛ اسمیت، راجرز و بردی[3]، ۲۰۰۲).

پیر بوردیو[4] در نظریه منش[5] و میدان[6]، گسست نسلی را در ارتباط با ساختار و کنش مطرح می‌کند. او شکاف بین‌نسلی را شکافی افقی می‌داند. همچنین نسل پیر و جوان را نمودی از ساختار اجتماعی می‌داند که در نتیجه مبارزه میان پیر و جوان در میدانهای مختلف ایجاد شده است. بوردیو معتقد است که جایگاه هر نسل برحسب موقعیت نهادی آن در ارتباط با منابع و فرصتهای موجود در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تعریف می‌شود. بوردیو مدعی است که بهترین شیوه برای بررسی تجربی رابطه پویای بین ساختار و کنش، تحلیل رابطه‌ای ذائقه‌ها[7] و

1. Existential security
2 Nguyen & Truong
3 Smith, Rogers & Brady
4. Pierre Bourdieu
5. Nature
6. Field
7. Tastes

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.2.8]

کنشهای اجتماعی[1] است (جلایی‌پور و محمدی، ۱۳۸۸). بوردیو بر توزیع امکانات و منابع و موقعیت نابرابر نسلهای گوناگون از نظر برخورداری یا محرومیت از امکانات و فرصتهای موجود اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در عرصه‌های مختلف در ریشه‌یابی شکاف نسلی تأکید دارد. بوردیو به‌جای تبیین شکاف نسلها با معیارهای ذهنی و برحسب تأثیر جریانها و حوادث عمده تاریخی روی ذهنیت و آگاهی/ هویت ویژه نسلی که بر رهیافت مانهایمی[2] مسلط است، با رویکرد عینی به تبیین تعارضات نسلی برحسب جایگاه استراتژیک هر نسل در رابطه با مجموعه‌ای از منابع و نبرد نسلها برای استفاده انحصاری از منابع مذکور می‌پردازد (توکل و قاضی‌نژاد، ۱۳۸۵).

همانطور که مشاهده می‌شود در نظریه بوردیو، ویژگیهای شخصیتی و فردی، نقشی در نوع امر تربیتی و سبک پرورشی دینی فرد و به عبارتی هویت فردی ندارند، بلکه تمامی عناصر فوق از جایگاه فرد و میزان دسترسی و بهره‌مندی فرد از سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و ... در جامعه سرچشمه می‌گیرند. از نگاه منتقدانه و ساختارگرایی بوردیو حتی مسئله ای همانند ارزش و نگرش نیز یک امر اجتماعی و یک برساخته اجتماعی است. بر این اساس، جایگاه اجتماعی، فرهنگی و ... تعیین‌کننده نه گسل عمودی بلکه افقی نسلی میان افراد است.

فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه‌های تافلر، مک‌لوهان و اینگلهارت فرضیه(۱)، وجود رابطه میان استفاده از رسانه‌ها و شکاف ارزشی میان دو نسل، استخراج شد. فرضیه‌های(۲و ۳)، وجود رابطه میان واگرایی ارزشی دو نسل و پایگاه اقتصادی- اجتماعی و دینداری، از آرای اینگلهارت و بوردیو استخراج شد و برای تدوین نظریه پایانی، وجود رابطه میان سبکهای تربیتی و فاصله نسلی والدین و فرزندان، از نظریه‌های تافلر، مک‌لوهان، اینگلهارت و بوردیو استفاده شد.

۱. میان میزان استفاده از رسانه‌های ارتباطی و واگرایی ارزشهای اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان رابطه وجود دارد.
۲. میان دینداری و واگرایی ارزشهای اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان رابطه وجود دارد.
۳. میان پایگاه اقتصادی- اجتماعی و واگرایی ارزشهای اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان رابطه وجود دارد.
۴. میان سبکهای تربیتی (شامل مقتدرانه، سهل‌گیرانه و آزادمنشانه) و واگرایی ارزشهای اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان رابطه وجود دارد.

1. Social actions
2. Mannheim

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.2.8]

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف در حیطه پژوهشهای کاربردی و از نظر روش تحقیق، ماهیت توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی دارد. جامعه آماری این پژوهش، شامل همهٔ خانوادههای شهر تهران در ردهٔ سنی ۱۵ تا ۶۰ سال بوده است (۹۳۱۲۵۰۴ نفر). دلیل انتخاب این بازه سنی این است که با دو گروه نسلیِ (با در نظر گرفتن هر ۳۰ سال بهعنوان یک گروه نسلی) والدین و فرزندان در بازهٔ زمانی موردنظر، اطلاعات موردنیاز گردآوری شود. همچنین با توجه به جدول مورگان تعداد نمونه ۴۰۰ نفر تعیین شد. نمونهگیری به روش خوشهای چندمرحلهای با نمونهگیری از مناطق شهری، بلوکهای شهری و خانوارهای شهری انجام شد. از ۴۰۰ پرسشنامه توزیع شده میان خانوادهها تعداد ۳۸۴ پرسشنامه گردآوری شد. از این تعداد ۲۰۲ نفر والدین و ۱۸۲ نفر فرزندان بودند. این نسلها به هم ارتباط داشته و از هر خانواده دو نسل والدین و فرزندان انتخاب شدند. در این مطالعه از ابزار پرسشنامه برای گردآوری دادهها استفاده شده است.

تعریف مفاهیم و اندازهگیری متغیرها

واگرایی فرهنگی: به منظور اندازهگیری ارزشهای اجتماعی- فرهنگی برای سنجش واگرایی فرهنگی از مقیاس ارزشهای شوارتز[1] (۲۰۰۶) استفاده شد. این مقیاس ده ارزش اجتماعی- فرهنگی را اندازهگیری میکند که عبارت اند از: ۱) خوداتکایی، ۲) انگیزش، ۳) لذتطلبی، ۴) موفقیت، ۵) قدرت، ۶) امنیت، ۷) همنوایی، ۸) سنت، ۹) خیرخواهی و ۱۰) جهانگرایی. همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ برای پرسشنامه ارزشهای اجتماعی ۰/۹۳ به دست آمد.

پایگاه اقتصادی- اجتماعی: جایگاه و موقعیت فرد در مقایسه با دیگران را از نظر وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مشخص میکند و با درآمد، تحصیلات و منزلت شغلی مورد سنجش قرار میگیرد.

رسانههای ارتباطی: منظور استفاده از رسانههای مجازی است که در آن میزان استفاده پاسخگویان از اینترنت، فیسبوک، تلگرام، واتساپ، اینستاگرام و سایر شبکههای اجتماعی مجازی مورد سنجش قرار گرفت. همسانی درونی پرسشنامهٔ میزان استفاده از رسانههای ارتباطی ۰/۸۹ به دست آمد.

1 Schwartz

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.2.8]

دینداری: دینداری در سه بعد اعتقادی، مناسکی و التزام بررسی و عملیاتی شده است. شاخص دینداری از مجموعه ۱۳ گویه ایجاد شده است. در این پژوهش همسانی درونی پرسشنامه دینداری ۰/۸۵ به دست آمد.

سبکهای تربیتی والدین: سبکهای تربیتی والدین در سه بعد سخت‌گیر، مقتدر و سهل‌گیر و به صورت محقق‌ساخته از مجموعه ۱۸ گویه ایجاد شده است. همسانی درونی پرسشنامه سبک تربیتی ۰/۷۸ و برای سبکهای تربیتی سخت‌گیر ۰/۷۵، مقتدر ۰/۸۸ و سهل‌گیر ۰/۶۹ به دست آمد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و AMOS، شاخصهای آمار توصیفی و پارامترهای تحلیلی همچنین ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره انجام شده است.

یافته‌های پژوهش

میانگین و انحراف معیار سن والدین ۴۴/۲۱ و ۱۵/۶۱ و میانگین و انحراف معیار سن فرزندان ۲۴/۱۲ و ۱۱/۴۱ بود. از نظر تفکیک جنسیتی، در میان شرکت‌کنندگان پژوهش، ۲۲۲ نفر (۵۷/۸۱ درصد) زن و ۱۵۹ نفر (۴۱/۴۰ درصد) مرد بودند. ۳ نفر (۰/۷۸ درصد) از شرکت کنندگان پاسخ نداده بودند. از نظر تحصیلات، از میان کل پاسخ‌دهندگان، ۷ نفر پاسخ نداده بودند. همچنین، بیشترین فراوانی مربوط به افراد دارای سطح تحصیلات لیسانس (۳۷ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به افراد دارای سطح تحصیلات حوزوی (۱/۶ درصد) بود. از لحاظ وضعیت تأهل ۵ نفر پاسخ نداده بودند و بیشترین فراوانی مربوط به افراد ازدواج کرده بود که ۵۰/۳ درصد حجم نمونه را تشکیل می‌دادند.

میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار
ارزشهای اجتماعی- فرهنگی	۸/۷۱	۱/۲۵
میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی	۹/۸۷	۴/۰۹
دینداری	۱۳/۴۰	۳/۸۹
پایگاه اقتصادی- اجتماعی	۱۲/۵۷	۳/۹۱
سبک تربیتی سخت‌گیرانهٔ والدین	۶۸/۲۵	۱۵/۶۲
سبک تربیتی آزادمنشانهٔ والدین	۵۴/۴۷	۱۳/۶۵
سبک تربیتی مقتدرانهٔ والدین	۴۲/۵۲	۱۷/۴۴

بررسی ارزشهای اجتماعی نیز نشان داد که در میان والدین ارزشهایی همانند قدرت، سنت‌خواهی، خیرخواهی و همنوایی از اهمیت بیشتری برخوردار است و میانگین نمرات این

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.2.8]

ارزشها در میان آنها بیشتر است. در میان فرزندان ارزشهایی چون لذت‌طلبی، موفقیت، خوداتکایی و انگیزش از جایگاهی بالاتر برخوردار است. این نتایج نشان می‌دهد که در برخی از ارزشها مانند سنت، لذت‌طلبی، خیرخواهی و خوداتکایی واگرایی بیشتری وجود دارد بنابراین هنوز در میان والدین و فرزندان یا در میان نسلها، شکاف نسلی وجود دارد.

برای بررسی توزیع نرمال داده‌های پژوهش از آزمون کولموگروف–اسمیرنف استفاده شد (جدول ۲).

جدول ۲: آزمون کولموگروف–اسمیرنف برای بررسی فرض نرمال بودن داده‌ها

متغیر	آماره	سطح معناداری
ارزشهای اجتماعی- فرهنگی	۰/۰۶۱	۰/۲۷
میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی	۰/۱۲۳	۰/۵۴
دینداری	۰/۰۱۸	۰/۰۸
پایگاه اقتصادی- اجتماعی	۰/۱۰۱	۰/۴۲
سبک تربیتی سخت‌گیرانهٔ والدین	۰/۰۵۳	۰/۲۰
سبک تربیتی آزادمنشانهٔ والدین	۰/۰۱۵	۰/۰۸
سبک تربیتی مقتدرانهٔ والدین	۰/۰۷۶	۰/۳۱

بر اساس آماره کولموگروف- اسمیرنف و سطح معناداری در جدول شماره ۲ مشخص می‌شود که متغیرهای پژوهش دارای توزیع نرمال هستند، زیرا سطح معناداری آنها بالاتر از ۰/۰۵ است.

با توجه به مقیاس اندازه‌گیری متغیرها و همچنین، نرمال بودن داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط میان میزان استفاده از رسانه‌ها، دینداری، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و سبکهای تربیتی با ارزشهای اجتماعی ناهمخوان میان والدین و فرزندان (واگرایی فرهنگی) استفاده شده است (جدول ۳).

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.2.8]

جدول ۳: ضریب همبستگی پیرسون میان متغیرهای پژوهش با واگرایی ارزشی میان فرزندان با والدین

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون									
	سنت	لذت‌طلبی	خیرخواهی	خوداتکایی	موفقیت	انگیزش	قدرت	امنیت	همنوایی	جهان-گرایی
استفاده از وسایل ارتباط جمعی	-۰/۳۵۵	۰/۲۳۴	-۰/۲۲۷	۰/۴۱۷	۰/۱۵۲	۰/۳۱۴	۰/۳۴۵	-۰/۲۱۳	-۰/۶۲۱	۰/۴۲۱
دینداری	۰/۲۶۴	-۰/۴۱۲	۰/۲۷۸	-۰/۱۵۶	۰/۳۱۲	۰/۲۶۱	-۰/۲۱۴	۰/۶۱۲	۰/۵۱۲	۰/۲۱۵
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	-۰/۳۲۶	۰/۲۱۰	-۰/۶۱۲	۰/۴۱۹	۰/۵۸۷	۰/۳۱۶	۰/۴۵۱	۰/۳۲۴	-۰/۱۲۴	۰/۵۳۶
سبک تربیتی سخت-گیرانهٔ والدین	-۰/۵۴۶	۰/۱۸۱	-۰/۴۲۱	-۰/۲۱۸	-۰/۲۱۳	-۰/۲۵۷	۰/۱۴۵	-۰/۴۲۳	-۰/۱۳۴	-۰/۱۳۴
سبک تربیتی آزادمنشانهٔ والدین	-۰/۴۷۱	۰/۳۴۵	-۰/۱۹۷	-۰/۳۶۹	-۰/۲۶۱	-۰/۳۲۴	۰/۳۴۶	-۰/۴۶۱	-۰/۳۲۱	-۰/۱۵۴
سبک تربیتی مقتدرانهٔ والدین	۰/۵۱۲	-۰/۴۲۷	۰/۳۶۴	۰/۴۷۳	۰/۳۷۴	۰/۲۶۸	-۰/۲۴۹	۰/۴۱۷	۰/۴۱۲	۰/۲۱۷

$p < ۰/۰۰۱$

همان‌طور که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است، میان ارزشهای لذت‌طلبی و خوداتکایی با میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و سبکهای تربیتی سختگیرانه و آزادمنشانهٔ والدین، همبستگی مثبت و با دینداری و سبکهای تربیتی مقتدرانهٔ والدین همبستگی منفی وجود دارد، اما این رابطه برای ارزشهای سنت و خیرخواهی معکوس است ($p < ۰/۰۰۱$). به عبارت دیگر، هرچه میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و سبکهای تربیتی سختگیرانه و آزادمنشانهٔ والدین بیشتر باشد، میزان واگرایی ارزشهای اجتماعی والدین و فرزندان افزایش خواهد یافت. این ارتباط برای دینداری و سبک تربیتی مقتدرانهٔ والدین با واگرایی ارزشهای اجتماعی والدین و فرزندان معکوس است.

برای بررسی نقش میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، دینداری و سبکهای تربیتی والدین در پیش‌بینی واگرایی ارزشهای اجتماعی والدین و فرزندان از تحلیل رگرسیون استاندارد استفاده شده است (جدول ۴).

جدول ۴: تحلیل رگرسیون میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و سبکهای تربیتی والدین در پیش‌بینی واگرایی ارزشهای اجتماعی والدین و فرزندان

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	ضریب رگرسیون	بتا	آزمون t
استفاده از وسایل ارتباط جمعی	لذت‌طلبی	۰/۳۴۹	۰/۲۶۴	۵/۷۶۲
	سنت	-۰/۲۱۴	-۰/۱۸۷	-۳/۴۵
	خیرخواهی	-۰/۱۴۵	-۰/۳۱۴	-۴/۱۷
	خوداتکایی	۰/۳۶۵	۰/۶۲۱	۶/۳۵۴

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]

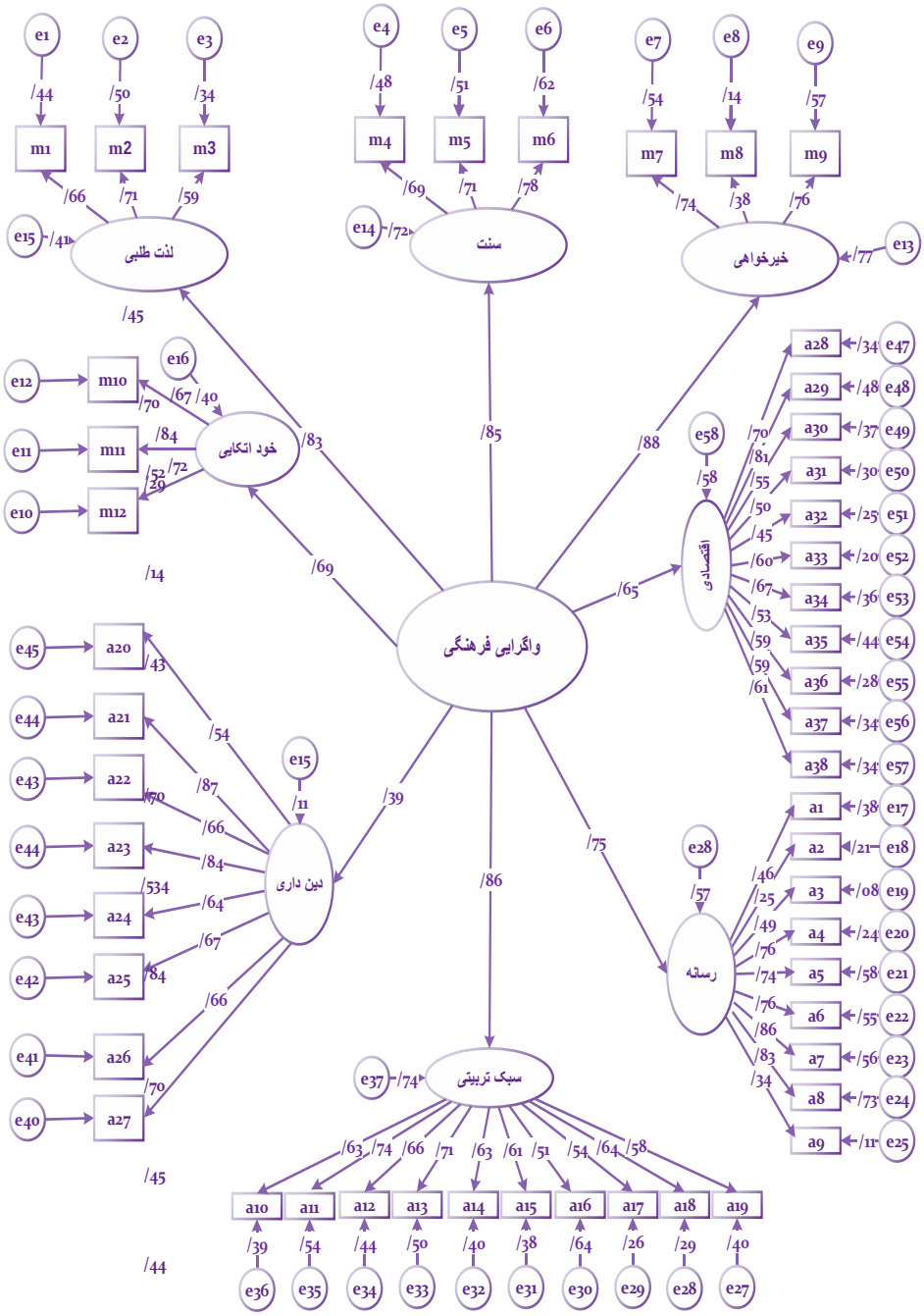
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.2.8]

دینداری	لذت‌طلبی	-۰/۵۳۱	-۰/۳۴۵	-۴/۴۵
	سنت	۰/۴۱۲	۰/۴۶۵	۷/۲۳۴
	خیرخواهی	۰/۶۳۴	۰/۷۵۱	۸/۶۹۸
	خوداتکایی	۰/۲۱۳	۰/۲۴۵	۴/۱۶۳
پایگاه اقتصادی- اجتماعی	لذت‌طلبی	۰/۳۵۶	۰/۵۲۱	۴/۳۶
	سنت	-۰/۱۲۳	-۰/۳۲۶	-۴/۷۱
	خیرخواهی	-۰/۱۲۱	-۰/۲۳۴	-۴/۲۳
	خوداتکایی	۰/۳۶۵	۰/۳۷۴	۵/۶۱۲
سبک تربیتی سخت‌گیرانهٔ والدین	لذت‌طلبی	۰/۴۸۵	۰/۳۷۲	۶/۱۱
	سنت	-۰/۳۱۴	-۰/۲۴۵	-۴/۲۸
	خیرخواهی	-۰/۴۲۳	-۰/۳۱۷	-۴/۹۸
	خوداتکایی	-۰/۶۴۵	-۰/۳۶۹	-۳/۱۷
سبک تربیتی آزادمنشانهٔ والدین	لذت‌طلبی	۰/۴۲۱	۰/۴۸۷	۶/۲۱
	سنت	-۰/۳۲۲	-۰/۳۹۶	-۴/۱۲
	خیرخواهی	-۰/۶۲۳	-۰/۹۷۵	-۴/۷۴
	خوداتکایی	-۰/۱۴۲	-۰/۵۶۴	-۶/۴۵
سبک تربیتی مقتدرانهٔ والدین	لذت‌طلبی	-۰/۴۶۵	-۰/۳۶۷	-۲/۸۹
	سنت	۰/۲۳۴	۰/۷۲۱	۷/۳۶۷
	خیرخواهی	۰/۳۶۳	۰/۳۱۴	۵/۲۵۴
	خوداتکایی	۰/۴۲۸	۰/۲۱۴	۵/۲۱۲
ضریب همبستگی چندگانه		ضریب تعیین	F	سطح معناداری
۰/۶۶۷		۰/۴۴۵	۲۴/۲	۰/۰۰۰

نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و سبکهای تربیتی سختگیرانه و آزادمنشانهٔ والدین به طور مثبت و دینداری و سبک تربیتی مقتدرانهٔ والدین به طور منفی پیش‌بین واگرایی ارزشهای اجتماعی والدین و فرزندان هستند ($p < ۰/۰۰۱$). مقدار ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۶۶۷ بوده و مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۴۴۵ است. یعنی در حدود ۴۴/۵ درصد از تغییرات میزان واگرایی ارزشهای اجتماعی والدین و فرزندان با متغیرهای میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و سبکهای تربیتی والدین قابل تبیین است. با استفاده از مدل ساختاری نیز می‌توان وزنهای متغیرها را نسبت به واگرایی فرهنگی پیدا کرد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.2.8]



نمودار ۱: ضرائب بارهای عاملی(ضریب مسیر) در حالت استاندارد

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.2.8]

جدول ۵: برازش مدل ساختاری مربوط به وزنهای استاندارد شده متغیرهای پژوهش

مدل	شاخص برازش	مقدار	مقدار مورد قبول	نتیجه
مدل ساختاری	کای دو	۳۴۲۷/۸۳۵	–	–
	درجه آزادی	۱۱۶۷	–	–
	سطح معناداری	۰/۰۰۰۱	کمتر از ۰/۰۵	مطلوب
	نسبت کای دوبه درجه آزادی	۲/۹۳۷	۱تا ۵	مطلوب
	شاخص نیکویی برازش	۰/۹۲۷	۰/۸	مطلوب
	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده	۰/۸۸۳۶	۰/۸	مطلوب
	شاخص برازش	۰/۹۲	۰/۸	مطلوب
	شاخص برازندگی فزاینده	۰/۹۲۶	۰/۸	مطلوب
	شاخص تاکر لوییس	۰/۹۹۶۷	۰/۸	مطلوب
	شاخص برازندگی تطبیقی	۰/۹۲۱	۰/۸	مطلوب
	ریشه میانگین مربعات خطا	۰/۰۶۵	۰/۱>	مطلوب

برای ارزیابی برازندگی الگوی معادلات ساختاری از چند شاخص استفاده می شود. مطلوبیت مدل برازش با توجه به مقادیر شاخص تایید شده است. با توجه به خروجی نرم افزار AMOS مشخص شده که همهٔ پارامترهای مدل تحلیل عاملی واگرایی ارزشهای اجتماعی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادارند. در جدول ۶، وزنهای تاثیرگذار دارای سطح معناداری ستاره‌دار هستند که نشان‌دهندهٔ قابلیت پیش‌بینی متغیرها بر واگرایی ارزشهای اجتماعی- فرهنگی است.

جدول ۶: جدول تحلیل مسیر وبار عاملی تخمین زده شده وسطح معناداری

مسیر		تخمین	خطای معیار	آماره معناداری	سطح معناداری
خیرخواهی	<--- واگرایی فرهنگی	۰/۸۵۳	۰/۱۳۰	۶/۵۸۵	***
سنت	<--- واگرایی فرهنگی	۰/۸۲۶	۰/۱۳۳	۶/۱۹۰	***
لذت طلبی	<--- واگرایی فرهنگی	۰/۶۹۱	۰/۱۴۹	۴/۶۳۰	***
خوداتکایی	<--- واگرایی فرهنگی	۰/۸۵۳	۰/۱۳۰	۶/۵۸۵	***
رسانه	<--- واگرایی فرهنگی	۰/۷۸۰	۰/۱۴۰	۵/۵۸۸	***

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.2.8]

مسیر		تخمین	خطای معیار	آماره معناداری	سطح معناداری
سبک تربیتی --->	واگرایی فرهنگی	۰/۷۴۹	۰/۱۳۴	۵/۵۷۸	***
دینداری --->	واگرایی فرهنگی	۰/۳۶۲	۰/۱۰۰	۳/۶۲۳	***
اقتصادی --->	واگرایی فرهنگی	۰/۵۲۸	۰/۱۱۰	۴/۷۹۴	***

بحث و نتیجه‌گیری

ارزشها از بنیادی‌ترین عوامل جهت‌دهندهٔ رفتارهای انسانی در هر جامعه به شمار می‌آیند. ارزشها در زمینهٔ فرهنگ جامعه و رفتارهای انسانها نقشی دوگانه دارند؛ از یک‌سو، نیروی ساختاردهندهٔ رفتارهای بشری به شمار می‌آیند و از سویی، الگوی ساختاربندی شدهٔ فرهنگ غالب جامعه تلقی می‌شوند. در واقع، ارزشها درونی‌ترین لایه‌های شخصیت انسانها هستند و شناخت مطلوب واقعیتهای درونی هرکس منوط به شناخت ارزشها و گرایشهای ارزشی اوست. مسئله شکاف نسلی و واگرایی فرهنگی در میان نسل والدین و فرزندان، از جمله مباحث مهم در حوزه آسیب‌شناسی خانواده است، چراکه ساختار روابط میان والدین و فرزندان در خانواده هسته‌ای مدرن، دستخوش دگرگونی بنیادین شده است.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که در برخی از ارزشها مانند سنت، لذت‌طلبی، خیرخواهی و خوداتکایی واگرایی بیشتری وجود دارد. همچنین، در این پژوهش ارتباط چهار متغیرِ میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، دینداری، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و سبک تربیتی والدین با واگرایی ارزشهای اجتماعی والدین و فرزندان بررسی شده که دینداری و سبک تربیتی مقتدرانهٔ والدین به صورت منفی و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و سبکهای تربیتی سخت‌گیرانه و آزادمنشانهٔ والدین به صورت مثبت بر واگرایی ارزشهای اجتماعی والدین و فرزندان تاثیرگذار بوده است. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بار عاملی سؤالات پرسشنامه برای سنجش متغیرهای پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد اختلاف معنادار با صفر دارند. این سؤالها متغیرهای مربوطه را به خوبی سنجیده اند. با توجه به خروجی نرم افزار AMOS مشخص شده که همهٔ پارامترهای مدل تحلیل عاملی واگرایی ارزشهای اجتماعی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار هستند.

تلویزیون و سایر شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی، رسانه‌هایی هستند که در شکل دادن به گرایشها و جهت‌گیریهای ذهنی جوانان نقشی مؤثر دارند. هر چند میزان تأثیرپذیری آنها متفاوت است، اما نوع پیامها و کیفیت تأثیرگذاری آنها نیز با توجه به تجارب فردی، اجتماع و حالات پایدار

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.2.8]

و درازمدت آنها بر مخاطبان تفاوت دارد. هرچه میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی بیشتر باشد، واگرایی ارزشهای اجتماعی والدین و فرزندان افزایش می‌یابد. در واقع، بر اساس نظریات تافلر، مک‌لوهان و اینگلهارت، رسانه‌ها، ارزشهای فردگرایانه را ترویج خواهند داد. از این‌رو، نسل جوان که میزان استفاده آنها از رسانه‌های ارتباطی بیشتر است بیشتر ارزشهای فرهنگ مدرن را می‌پذیرند و در نتیجه ارزشهایی چون سنت‌خواهی و خیرخواهی که در فرهنگ سنتی ترویج می‌شوند در آنها کاهش خواهد یافت. در حالی‌که ارزشهایی چون لذت‌طلبی و خوداتکایی به عنوان ریشه‌های فرهنگی مدرن در آنها تقویت خواهد شد. نتایج به دست آمده در این زمینه بر اساس نظریات مک‌لوهان، تافلر و اینگلهارت بوده و با تحقیقات انجام شده در این حوزه همسوست (ارجمندی و همکاران، ۱۳۹۲؛ کفاشی، ۱۳۹۴؛ نگوین و ترونگ، ۲۰۱۸؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۰۲).

کامیابی اجتماعی–اقتصادی نیز دیگر عاملی است که بر اساس نظر اینگلهارت موجب تغییر در ارزشها می‌شود. از نظر وی، امنیت حیاتی به سبب افزایش درآمد منجر به عدم همنوایی با ارزشهای موجود می‌شود و در نتیجه شکاف میان‌نسلی را هموار می‌سازد. همچنین، بر اساس نظرهای اینگلهارت و بوردیو، این توافق اجتماعی– اقتصادی با کاهش دینداری همراه خواهد بود. از این‌رو، یافته‌های پژوهش حاضر که رابطه مثبت میان واگرایی فرهنگی با پایگاه اقتصادی– اجتماعی و رابطه منفی میان واگرایی فرهنگی و دینداری را نشان داده همخوان است با نظریه‌های بوردیو و اینگلهارت و تحقیق نیکن و اپری (۲۰۱۸) که نشان داده پایین بودن درآمد و تحصیلات والدین با کاهش استفاده صحیح از رسانه‌ها و آسیبهای تربیتی همراه است.

شایان ذکر است که با تغییر ساختار خانواده، واگرایی ارزشهای اجتماعی والدین و فرزندان بیشتر می‌شود. تغییر در ساختار خانواده و تبدیل آن از خانوادهٔ گسترده به خانواده هسته‌ای و توصیه‌های گوناگون تربیتی که نهادهای آموزشی و تربیتی به والدین می‌کنند آنان را با دشواریهای بسیاری مواجه می‌کند. توصیه‌های تربیتی به والدین دربارهٔ فرزندان با شیوه‌هایی که والدین خود از طریق آنها پرورش یافته‌اند در تضاد است. در خانواده‌های با سبک تربیتی مقتدرانه میزان همگرایی ارزشی میان والدین و فرزند بیشتر است، اما در خانواده‌های سخت‌گیر و سهل‌گیر، واگرایی ارزشی بیشتر به چشم می‌خورد. در تحقیقات کلدی و جمشیدی (۱۳۸۴) و ارجمندی و همکاران (۱۳۹۲) نیز چنین نتایجی به دست آمده است. بنابراین، در جامعه در حال توسعه‌ای مانند جامعه ایران که تغییراتی گسترده را تحت‌تأثیر فرایند نوسازی تجربه می‌کند، رویدادهایی چون تحولات سیاسی، اقتصادی، فناوری، فراگیرشدن شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت، افزایش روزافزون ضریب نفوذ

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.2.8]

اینترنت در میان نوجوانان و جوانان و جریانات دیگر، جامعه را دستخوش تغییرات بنیادین در حوزه ارزشهای اجتماعی و در نهایت واگرایی ارزشها قرار داده است.

محدودیتهای پژوهش

پژوهش حاضر به‌صورت توصیفی و مقطعی انجام شده، از این‌رو، در بررسی روابط علت و معلولی و همچنین تاثیرات طولی متغیرها با محدودیت همراه است. همچنین، نمونه پژوهش حاضر خانواده‌های شهر تهران بودند که از نظر متغیرهای جمعیت‌شناختی و فرهنگی با سایر نواحی ایران تفاوتهایی دارند، از این‌رو، در تعمیم یافته‌های پژوهش به سایر مناطق کشور می‌بایست محتاطانه عمل کرد.

پیشنهادهای کاربردی

۱. فرهنگ‌سازی در استفاده از رسانه‌های جمعی، آموزش تفکر انتقادی و تقویت سواد رسانه‌ای می‌تواند واگرایی فرهنگی را کاهش دهد.
۲. آموزش خانواده‌ها برای مواجهه درست با تغییرات اجتماعی- اقتصادی و کاهش فاصله طبقاتی میان گروههای مختلف می‌تواند از آسیبهای احتمالی فرهنگی جلوگیری کند.
۳. رسانه‌ها و مدارس ارزشهای دینی را میان نسلهای گوناگون ترویج و تقویت کنند.
۴. آموزش خانواده‌ها برای به‌کارگیری سبکهای سالم فرزندپروری از طریق مؤسسات و نهادهای مسئول مانند سازمان بهزیستی می‌تواند منجر به کاهش ناهمخوانی و واگرایی فرهنگی شود و در نتیجه روابط صمیمانه‌تر در خانواده‌ها حاکم خواهد شد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.2.8]

منابع

آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۰). شکاف بین‌نسلی در ایران. *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران (ویژه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران)*، شماره چهارم، ۷-۳۱.

احمدی، یعقوب و حامد، بیتا. (۱۳۹۰). سنجش وضعیت تفاوت نسلها در ابژه‌های فرهنگی، اجتماعی (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۲ (۲)، ۱۸۵-۲۰۸.

ارجمندی، حسن؛ حسن‌پور، محسن؛ ارجمند سیاهپوش، اسحق و ارجمند سیاه‌پوش، بهاره. (۱۳۹۲). شکاف نسلی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیمشک. *مطالعات جامعه‌شناسی جوانان*،۴ (۱۱)، ۲۹-۴۸.

تامین، ملوین. (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: انتشارات توتیا. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۹۴).

توکل، محمد و قاضی‌نژاد، مریم. (۱۳۸۵). شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تاکید بر نظرات مانهایم و بوردیو. *نامه علوم اجتماعی*، ۲۷، ۹۵- ۱۲۴.

جلایی‌پور، حمیدرضا و محمدی، جمال. (۱۳۸۸). *نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی*. تهران: نشر نی.

جهانبخش، اسماعیل. (۱۳۹۵). عوامل شکاف نسلی در ارزشهای اجتماعی و فرهنگی والدین و فرزندان در استان اصفهان. *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*،۶ (۲۱)، ۴۵-۶۶.

ربانی، علی و محمدزاده یزد، عاطفه. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف نسلی ارزشی در منطقه ۹ شهرداری مشهد با تاکید بر ارزشهای دینی. *مجلهٔ علوم اجتماعی دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد* ، ۱۰ (۱) ، ۹۳-۱۱۶.

رضایی زارچی، رضا و رهنما، اکبر. (۱۳۸۸). بررسی نسبت جهانی شدن با تربیت دینی. *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، ۴ (۳۷ و ۳۸)، ۲۲-۳۷.

سهراب‌زاده، مهران و سادات جوادی، سمانه. (۱۳۹۵). شکاف نسلی و رسانه‌های جمعی از منظر جامعه‌شناسی با تاکید بر نظریات کارل مانهایم و مارگارت مید. *دومین کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران*، تهران.

شریعتمداری، علی. (۱۳۷۴). *روان‌شناسی تربیتی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

کازنو، ژان. (۱۳۶۴). *جامعه‌شناسی رسانه‌های گروهی*، ترجمهٔ باقر ساروخانی و منوچهر محسنی. تهران: سروش. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۸۵).

کفاشی، مجید. (۱۳۹۴). عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر شکاف نسلی جوانان شهر تهران. *فصلنامه زن و جامعه*،۶ (۱)، ۶۷-۸۶.

کلدی، علیرضا و جمشیدی، مرتضی. (۱۳۸۴). تعارض ارزشی بین والدین و فرزندان از دیدگاه دانش‌آموزان شهرستان آمل و عوامل مرتبط با آن. *رفاه اجتماعی*، ۵ (۱۹)، ۱۴۱-۱۵۳.

گودرزی، سعید. (۱۳۸۹). تغییر ارزش‌های جوانان و عوامل مرتبط بر آن. *فصلنامه رفاه اجتماعی*،۱۰ (۳۹)، ۴۲۱-۴۴۲.

محرابی، علیرضا. (۱۳۸۶). *ژئوپولتیک و تحول اندیشه حکومت در ایران*. تهران: نشر انتخاب.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.2.8]

مرسلی، فاطمه و نظری، علی اشرف. (۱۳۹۵). شکاف‌های اجتماعی نوپدید و تحلیل انسجام اجتماعی در ایران. پنجمین *کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، ۲۹-۳۰ فروردین، تهران.

ملک‌پور، علی. (۱۳۸۱). *تعارض فرهنگی دولت و مردم در ایران (۱۳۸۰-۱۳۵۷)*. تهران: آزاد اندیشان.

نش، کیت. (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، جهانی شدن، سیاست و قدرت*، ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: کویر. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۱۲).

نیمروزی ناوخی، نوروز و پارسائی، زینب. (۱۳۹۴). بررسی مقایسه‌ای سبک زندگی نسلی: مطالعه ترجیحات ارزشی والدین و فرزندان در شهرگرگان. *همایش ملی سبک زندگی، نظم و امنیت*، زنجان، دانشگاه زنجان.

یوسفی، نریمان. (۱۳۸۳). *شکاف بین نسلها: بررسی نظری و تجربی*. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

Misaghi, E., Sadipour, E., Delavar, A., Dortaj, F., & Motamedi Shalamzari, A. (2018). The role of family functioning and generation gap in the relationship between parental controls style and addiction to social networks. *Iranian Journal of Educational Sociology*, (Interdisciplinary Journal of Education) *1*(8), 1-15.

Moore, M. (1999). Value structures and priories of three generations of Japanese Americans. *Sociological Spectrum*, *19*(1), 119-132.

Nguyen, H. T., & Truong, C. (2018). When are extreme daily returns not lottery? At earnings announcements!. *Journal of Financial Markets*, *41*, 92-116.

Nikken, P., & Opree, S. J. (2018). Guiding young children's digital media use: SES-differences in mediation concerns and competence. *Journal of Child and Family Studies*, *27*(6), 1844-1857.

Parks, J. B., & Robertson, M. A. (2008). Generation gaps in attitudes toward sexist/nonsexist language. *Journal of Language and Social Psychology*, *27*(3), 276-283.

Schwartz, S. H. (2006). *Basic human values: An overview*. Available at: https://yourmorals.org/schwartz.2006.basic%20human%20values.pdf

Smith, H., Rogers, Y., & Brady, M. (2002). *The generation gap: Managing technology-mediated personal social networks*. Chimera Working Paper 2002-02, University of Essex.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.2.8]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.2.8]
[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-02]